

ارزیابی عملکرد رضا شاه و آتاتورک

۵ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۱۷

به همین دلیل رضاشاه پس از تثبیت پایه‌های قدرت خود به تدریج به حذف روشنفکران پرداخت. بنابراین می‌توان گفت که اصلاحات وی فاقد منطق درونی بود چرا که حذف طبقات قدیم بدون جذب طبقات جدید، امری غیرممکن و از حیث تداوم بخشیدن به حیات "رژیم سیاسی"، رویه‌ای بیهوده بود

در سال ۱۲۹۹، هنگامی که رضاخان میرپنج وارد ساختار قدرت سیاسی در نظام قاجار شد، ژنرال کمال پاشا نیز با ایجاد جنبش مقاومت علیه پیمان "مدرس"، جامه قهرمان ملی ترک‌های عثمانی را بر تن کرد. پیمان مندرس در پایان جنگ جهانی اول به دولت عثمانی تحمیل شده بود و آتاتورک برای اجرای یکی از مفاد اساسی آن، از سوی سلطان عثمانی به جانب شرق آناتولی اعزام شد. اما او با تاسیس ارتش مقاومت ملی، مانع از اجرای این پیمان شد و فراخوان دولت عثمانی جهت بازگشت به استانبول را نیز پس پشت انداخت. ایستادگی آتاتورک در برابر دولت رو به زوال عثمانی، سبب افتتاح مجدد مجلس مشروطه در این کشور و انتشار "اصول میثاق ملی" از سوی مجلس شد.

با حمله ارتش یونان به خاک عثمانی، مجلس ملی آتاتورک را به سمت فرماندهی کل قوا منصوب کرد و وی نیز مردم را به قیام برای استقلال و آزادی فراخواند. ژنرال کمال پاشا سرانجام پس از ۲۲ روز نبرد سهمگین، توانست با در هم شکستن حلقه محاصره یونانیان، مانع از تصرف آنکارا از سوی آنان شود. دفع خطر خطیر سپاه یونانی در خاطره مردم عثمانی باقی ماند و به همین دلیل زمانی که آتاتورک به دلیل سازشکاری و دون‌همتی سلطان وحیدالدین، خلافت را به مقامی صرفاً مذهبی بدل کرد، کسی در رثای وداع همیشگی خلافت با سیاست، مرثیه‌ای نسرود. آتاتورک که فرماندهی کل قوا را به شرط داشتن اختیارات گسترده تقنینی و اجرایی پذیرفته بود، با تاسیس نظام جمهوری و لغو خلافت در ششم آبان ۱۳۰۲ (۲۹ اکتبر ۱۹۲۳)، نزاع نوپای نوگرایان سکولار و سنت‌گرایان مذهبی را از همان آغاز به نفع نوگرایان پایان بخشید.

یک‌سال پس از برچیده شدن بساط خلافت در ترکیه، دوران سلطنت دودمان قاجار نیز در ایران به سرآمد. هرچند که خلافت عثمانی و سلطنت قاجاری، "برج موریانه"هایی بودند که دیر یا زود فرو می‌ریختند، اما رضاخان بخت نیک و نیکبختی آتاتورک را نداشت تا در هیات "قهرمان ملی" ظاهر شود و از موضع قدرت عروس حکومت را در آغوش کشد. هم از این رو وی در فاصله ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۴، به سلسله‌ای از رفتارهای خاکسارانه و مزورانه تن در داد تا سرانجام رشته‌های پوسیده سلطنت فرسوده قجری را پنبه کرد. مهمترین نمود و نتیجه برتری موقعیت سیاسی آتاتورک نسبت به رضاخان، الغای خلافت در ترکیه و ابقای سلطنت در ایران بود، چه رضاخان نیز در آغاز جامه "جدید" ریاست جمهوری را بر تن خویش، زینبده‌تر از قبای قدیمی پادشاهی می‌دید اما مخالفت علما و فضایی نامی و نافذی چون سیدحسن مدرس و محمدتقی بهار با تاسیس جمهوری، رضاخان به رضا "شاه" بدل شد.

در آن زمان هنوز قدرت روحانیون و زمینداران بزرگ آن قدر تحلیل نرفته بود که سردار سپه بتواند تمامی رویاهای خود را محقق سازد. رضاشاه و آتاتورک هیچ کدام از طبقات بالای جامعه برنخاسته بودند. اما برخلاف رضاشاه که در سال ۱۲۹۹ به گمنامی سیاسی مبتلا بود، آتاتورک در ۱۹۲۰ مصداق بارز یک رجل سیاسی بود. وی را سالها پیش از آن که "ماه مراد از افق طلوع کند"، عضویت در کمیته مرکزی "جمعیت اتحاد و ترقی" (مهمترین گروه مخالف دولت عثمانی) دست داده بود. شاید هم از این رو بود که او به ضرورت "کارحزبی" باور داشت. علاوه بر این، آتاتورک بر احیای مجلس مشروطه در دولت عثمانی اصرار می‌ورزید و حتی پس از به قدرت رسیدن، اختیارات مجلس را به زیان قوه مجریه افزایش داد، چرا که وی اهمیت استراتژیک مجلس در تداوم بقای نظام سیاسی را درک می‌کرد و برخلاف رضاشاه، مجلس مسموخی را که دامن استقلالش به کلی ملکوک شده باشد، خوش نداشت.

در واقع آتاتورک تفوق "حزب" در مجلس ملی را برای تحقق "کمالیسم" کافی می‌دید و به شخصی کردن قدرت چشمداشتی نداشت. به‌رغم اینکه در ترکیه آتاتورک نیز همانند ایران دوران رضاشاه، کیش شخصیت رواج داشت، اما "مقایسه نزدیک" رضاشاه و آتاتورک نشان می‌دهد که دیکتاتوری آتاتورک به دلیل نهادمند بودن عرصه سیاست در ترکیه، منجر به شخصی شدن قدرت در نظام سیاسی این کشور (لااقل در حد و اندازه سلطنت رضا شاه) نشده بود. آتاتورک زاد و رودی نداشت و به همین دلیل از فعالیت حزب جمهوری‌خواه نگران نبود، چرا که جانشین وی سرانجام می‌بایست از درون این حزب برآید یا توسط حزب کنترل شود. اما رضاشاه علاوه بر آنکه اهل قیام و قعود حزبی نبود، به واگذاری سلطنت به فرزندش نیز می‌اندیشید و خائف و بیمناک بود که مبدا حضور یک حزب قدرتمند در فضای سیاسی کشور، سرانجام قدرت را از چنگ خاندانش خارج سازد یا اینکه "حکومت" فرزندش را به "سلطنت" بدل کند. در واقع آتاتورک به‌رغم خصلت غیردموکراتیک حکومتش، با نهادمند ساختن عرصه سیاست تخم توزیع قدرت را در خاک سیاست ترکیه پراکند اما رضاشاه با احتراز از چنین اقدامی، چرخ‌های سه‌چرخه معیوب استبداد، آزادی و هرج و مرج را در جامعه ایران دست نخورده باقی نهاد. به‌رغم این اختلافات، آتاتورک و رضاشاه در آغاز عصر کمونیسم هراسی، به ترتیب، با رضایت و حمایت انگلستان به قدرت رسیدند و هر دو به راه نوسازی محافظه‌کارانه رفتند. ناسیونالیسم و سکولاریسم محتوای اصلی رفرمیسم رضاشاه و آتاتورک را تشکیل می‌داد. اتوریتریسم و اتاتیسم (دولت‌گرایی) نیز شیوه و چارچوب نوسازی هر دو دیکتاتور بود. تغییر لباس مردان، کشف حجاب زنان، ایجاد نظام حقوقی و آموزشی عرفی و مدرن، بازنویسی مجدد تاریخ، راه‌سازی و صنعت‌گرایی، تضعیف طبقات سنتی و ایجاد و تقویت طبقات مدرن را باید مهمترین موارد اصلاحات رضاشاه و آتاتورک برشمرد. با این حال آتاتورک در مذهب‌زدایی از جامعه، بی‌پروا تر از همتای ایرانی‌اش عمل می‌کرد، چرا که وی تقویم میلادی را جایگزین تقویم هجری ساخت، الفبای لاتین را جانشین الفبای عربی نمود و روز یکشنبه را روز تعطیل هفته اعلام کرد. وی بر این باور بود که "سیه‌روزی ترکان، ریشه در دل‌بستگی آنها به سنتهای دیرین و ...

سخت‌جانی الگوی کهن زندگی ... دارد و برای دستیابی به سعادت و بهروزی می‌باید مدنیت غربی را که جهانشمول است، بدون درنگ پذیرفت." اصلاحات آتاتورک، فارغ از نسبتش با تاریخ و فرهنگ ترکها، برخلاف اصلاحات رضاشاه واجد منطق درونی بود، زیرا در ترکیه آتاتورک، تقویت طبقات جدید با جذب اعضای این طبقات به درون ساختار قدرت سیاسی همراه بود. آتاتورک نخبگان طبقات جدید را در حزب جمهوری‌خواه سازمان داد و حتی در سال ۱۹۳۰ حزب لیبرال را تاسیس کرد تا ظرفیت جذب نخبگان مدرن را در ساختار سیاسی کشور افزایش دهد (هر چند این حزب دوام و قوامی نیافت). اما رضاشاه تنها با هدف تضعیف طبقات سنتی به ایجاد و تقویت طبقات مدرن پرداخت بی‌آنکه فکری به حال مطالبات سیاسی این طبقات و جذب آنها در ساختار

قدرت سیاسی بکند. در واقع طبقه روشنفکر برای آتاتورک دارای اهمیتی استراتژیک بود، اما نگاه رضاشاه به روشنفکران، خصلتی تاکتیکی و ابزارانگارانه داشت.

به همین دلیل رضاشاه پس از تثبیت پایه‌های قدرت خود به تدریج به حذف روشنفکران پرداخت. بنابراین می‌توان گفت که اصلاحات وی فاقد منطق درونی بود چرا که حذف طبقات قدیم بدون جذب طبقات جدید، امری غیرممکن و از حیث تداوم بخشیدن به حیات ”رژیم سیاسی“، رویه‌ای بیهوده بود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۶۷۰/ارزیابی-عملکرد-شاه-رضاء-مملکورد-ارزیابی/>